www.jgk.imamreza.ac.ir

پژوهشنامه خراسان بزرگ

دوره ۱۴، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۲

ISC | MSRT | ICI

شاپا چاپی: ۶۱۳۱-۲۲۵۱ شاپا الکترونیکی: ۱۶۷۱-۲۷۱۷

مقاله پژوهشی

گلیم سرجامه (لته‌ای) بشرویه و ژنده بوئین‌زهرا به‌مثابه تولیدات سبز و پایدار

سمانه کاکاوند * الف

الف) استادیار، گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

شماره صفحات: ۱۲-۱

واژگان کلیدی:

سرجامه، بشرویه خراسان جنوبی، گلیم ژنده، هنر بازیافت، بوئین‌زهرا قزوین

استناد به مقاله:

کاکاوند، سمانه. (۱٤۰۲). گلیم سرجامه (لته‌ای) بشرویه و ژنده بوئین‌زهرا به‌مثابه تولیدات سبز و پایدار. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*. ١٤ (٥٠)، ١٢-١.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنالین استفاده کنید.

چکیده

ترویج فرهنگ قناعت در ادبیات و آموزه‌های دینی ایران پیشینه‌دار است. مسائل زیست‌محیطی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان در دنیای کنونی بوده و تولید آثار هنری که مبتنی بر توسعه پایدار باشد از شروط اصلی توسعه است. ایران به‌عنوان کشوری که بر چهارراه فرهنگی واقع‌شده، همواره بحران‌ها، جنگ‌ها و مصائب زیادی را به خود دیده است، اما چاره‌اندیشی و فرهنگ مقاومتی موجب شده تا ققنوس‌وار، جانی تازه یابد. مطالعه سبک زندگی پیشینیان و الگوبرداری از مصادیق قناعت در زیست ایشان راهی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی خواهد بود. درایت و تدبیر زنان هنرمند ایرانی در تولید صنایع‌دستی موجب شکوفایی اقتصادی در ادوار گوناگون بوده است. مقاله حاضر در پی آن است که گلیم سرجامه بشرویه استان خراسان و گلیم ژنده بوئین‌زهرا قزوین را به‌عنوان مصادیق هنر بازیافت، معرفی و تحلیل نماید. سپس به اهمیت این دو بافته در توسعه پایدار بپردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان شاخصه‌های بازیافتی سرجامه و گلیم ژنده را در تطبیق با یکدیگر تبیین نمود؟ بررسی‌های کتابخانه‌ای داده‌های خام تحقیق را فراهم آورد. بخشی دیگر از اطلاعات، حاصل ثبت مشاهدات نگارنده از بافته‌های نامبرده است. مطالعه تطبیقی شاخصه‌های گلیم سرجامه و گلیم ژنده از منظر ویژگی‌های هنر بازیافت نشان از آن دارد که هر دو دست‌بافته دارای مؤلفه‌های تولیدات سبز و پایدار هستند. همچنین بافته‌های مذکور با برخورداری از شاخصه‌های هنر بازیافتی، می‌توانند منجر به رونق تولیدات روستایی و ترویج فرهنگ صحیح مصرف شوند.

DOI:https://doi.org/10.22034/JGK.2022.314873.1000
URL:https://jgk.imamreza.ac.ir/publisher?_action=publish&article=171987&related_issue=235

نویسنده مسئول مکاتبات: (s.kakavand@art.ac.ir)

مقدمه

نیاکان و گذشتگان با بحران‌های گوناگونی در تاریخ ایران مواجه بوده‌اند و حوادث، بحران‌ها و بلایای طبیعی زیادی از سر گذرانیده‌اند، اما نه‌تنها میهن خود را ترک نگفتند، بلکه به دنبال راهکار برای عمران و آبادی بودند. کم‌آبی‌ها و خشکسالی‌هایی که منجر به حفر قنات و ساخت آب‌انبارها شد. کویرهایی که در دل خود چهارباغ‌های مصفا جا دادند. تنگدستی‌هایی که موجب رشد و شکوفایی خلاقیت در هنرمندان و هنر بازیافت نیز در پی بحران‌های زیست‌محیطی رشد یافت. افزایش جمعیت و توسعه مصرف‌گرایی باعث تولید حجم زیاد زباله‌های شهری و ضایعات صنعتی شده و یکی از مشکلات عمده جوامع، دفع زباله و مواد ضایعاتی است. دانش فنی و فناوری‌های بازیافت امکان استفاده و تبدیل این مواد به محصولات ارزشمند را فراهم آورده است. امروزه ازجمله معیارهای اصلی صنعتی شدن ممالک پیشرفته چگونگی بازیافت مواد است. توسعه پایدار عنصر سازمان‌دهنده‌ای است که موجب پایداری منابع تجدیدناپذیر می‌شود، منابع محدودی که برای زندگی نسل آینده بر روی کره زمین ضروری است. توسعه پایدار فرایندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد. بی‌شک توجه به هنر بازیافت برای تولید بافته‌های سازگار با محیط‌زیست فرهنگ‌سازی و اصلاح دانش مردم ضروری است (زارع، ۱۳۹۸: ۱). در سراسر جهان آثاری با مضمون هنر بازیافت در گالری‌ها به نمایش گذاشته می‌شود و یا تولیداتی کاربردی به وجود می‌آید. این در شرایطی است که برخی صنایع‌دستی ایرانی در این زمینه پیشرو بوده و بی‌آنکه قصد پیوستن به چالش هنر بازیافت را داشته باشند، نیای این تولیدات هستند. سرجامه بشرویه خراسان و گلیم ژنده بوئین‌زهرا استان قزوین محصولی بازیافتی محسوب می‌شوند. شاید در ادوار گذشته در اقصی‌نقاط دنیا نیز تولیداتی با این هدف خلق‌شده باشند، اما این‌که در قالب یک سبک و یا مکتب قابل‌طبقه‌بندی باشند، با توجه به کم بودن آثار برجای‌مانده دشوار است. گلیم سرجامه و گلیم ژنده از تولیدات ناشناس در میان صنایع‌دستی ایرانی هستند. درحالی‌که همتای این بافته‌ها در کشورهای شرق دور به بازار سایر کشورها وارد شده و طرفداران بسیاری در میان ایرانیان دارد. این پژوهش بر آن است تا علاوه بر معرفی سرجامه و گلیم ژنده، ارتباط این دو بافته را با هنر بازیافت را تبیین نماید.

پیشینه پژوهش

هنر بازیافت در سالیان اخیر در جهان بسیار موردتوجه بوده و به‌تبع آثار پژوهشی مرتبط نیز منتشر شده است. طارمی در مقاله‌ای تحت عنوان «مروری بر گلیم ژنده اَرداق» به تعریف رشته و ذکر شاخصه‌ها، کاربرد و جغرافیای بافته پرداخته است، اما وجه نوآورانه مقاله حاضر این است که قصد دارد گلیم ژنده را از مصادیق «هنر بازیافت» معرفی نماید. افشاری و همکاران در کتاب *صنایع‌دستی قزوین* به معرفی گلیم ژنده پرداخته‌اند، اما نگارندگان تنها سعی در معرفی بافته داشته و متن فاقد رویکردی تحلیلی است. کاکاوند در مقاله‌ای با عنوان «ژنده‌بافی به‌مثابه هنر بازیافت»، گلیم ژنده را معرفی نموده، اما رویکرد تطبیقی با بافته‌ای مشابه نداشته است. در خصوص گلیم سرجامه نیز به سبب اینکه در چند سال اخیر نسبت به احیاء رشته اقدام شده، هنوز پژوهشی تخصصی دربارهٔ آن صورت نگرفته و به‌جز چند خبر و فیلم منتشرشده، متنی در دست نیست. به‌واقع، وجه نوآورانه مقاله حاضر این است که قصد دارد گلیم سرجامه بشرویه خراسان و ژنده بوئین‌زهرا را به‌عنوان مصادیق «هنر بازیافت» معرفی نماید.

روش پژوهش

نوشتار حاضر قصد دارد گلیم سرجامه بشرویه و گلیم ژنده بوئین‌زهرا را موردمطالعه تطبیقی قرار دهد تا بدین‌صورت ویژگی‌های بازیافتی هر دو بافته تحلیل شود. یافته‌ها حاصل مطالعات کتابخانه‌ای بوده و بخش‌هایی از مقاله حاصل مشاهدات میدانی است. درنهایت، نگارنده با مطالعه شاخصه‌های هنر بازیافت، تطبیقی میان ویژگی‌های گلیم سرجامه و گلیم ژنده و مصادیق هنر بازیافت انجام داده است.

هنر بازیافت

اصطلاح Junk Art[1] یا Recycled Art[2] با ترجمه‌های گوناگونی چون هنر بازیافت، از میانه سده بیستم میلادی به وجود آمد و معمول شد. متون مربوط به تاریخچه هنر بازیافت، نشانی از هنر بازیافتی ندارد و در تاریخ هنر نامبرده نامی از هیچ‌یک از صنایع‌دستی بازیافتی ایرانی نیست. این موضوع دلالت بر ناشناخته بودن برخی از رشته‌های صنایع‌دستی دارد. درحالی‌که آثار بسیاری از هنرمندان حوزه هنر بازیافت با سابقه کمتر در تاریخ هنر جای دارد. به‌طور مثال، یکی از هنرمندان فعال در حوزه هنر بازیافت، رابرت روشنبرگ[3] که از تکه‌های کهنه و پاره لباس، تولیدات و مواد بی‌ارزش دیگر در نقاشی‌های ترکیبی خود استفاده می‌کرد، مشهور است (URL1). در این میان برخی از محصولات صنایع‌دستی ایران نیز، به‌مثابه هنر بازیافت سهم دارند. ترویج فرهنگ صحیح مصرف، نقد و آسیب‌شناسی مصارف بی‌رویه برخی مواد و آفرینش هنری با بهره‌گیری از دورریزها، مهم‌ترین اهداف هنرمندان حوزه هنر بازیافت است. در ایران نیز همچون سایر نقاط دنیا روزانه زباله و دوریختنی‌های فراوانی تولید می‌شود. ازجمله مواد نامبرده تکه‌های پارچه و لباس‌های کهنه و مندرس است. از میان تولیدات هنر بازیافتی ایرانی می‌توان به دو مورد گلیم سرجامه بشرویه خراسان جنوبی و گلیم ژنده بوئین‌زهرا قزوین اشاره نمود.

هنر بازیافت در ایران

حفظ استقلال و خلاقیت فکری هنرمندان موجب می‌شود تا آفرینش‌های هنری هویتی داشته باشند. بازیافت و استفاده مجدد از لباس‌های کهنه به‌منظور تولید مواد اولیه مصداقی از خلاقیت هنرمندان است. بازیافت پارچه از جنبه کم کردن آلودگی زیست‌محیطی دارای اهمیت است و می‌تواند یکی از صنایع در حال پیشرفت و مهم در کشور ایران باشد (URL2). الیاف بازیافت شده از لباس‌های کهنه می‌توانند مصارف گوناگونی در صنایع مختلف داشته باشند. «برای دستیابی به اصول توسعه پایدار و خلق آثار هنری ماندگار باید صنعتی خلاق با توجه دانش زیست بومی جهت گسترش و معرفی صنایع ایرانی داشت» (ترکان، ۱۳۹۹: ۱۰) در ایران نیز، هنرمندان عرصه هنر بازیافت بر این باور بوده‌اند که هنر علاوه بر نقش زیباشناسانه و فرهنگ‌ساز خود، قادر خواهد بود تا به‌عنوان رسانه و ابزار آگاهی‌بخشی در جهت صیانت از منابع طبیعی و حفظ حرمت‌های آن عمل کند. در ایران همراه با موج هنر بازیافت، هنرمندانی چون ژازه طباطبایی و پرویز تناولی برای خلق برخی آثار خود از موادی بهره بردند که تا آن زمان استفاده از این وسائل معمول نبود. «تلاش داشت [ژازه طباطبایی] اولین‌های هنر را در فرهنگ ایرانی معرفی کند. وصله چسبانی را اول‌بار بود که ایرانی کرد» (اسدی‌کیارس، ۱۳۸۷: ۳).

هنرمندانی مثل ژازه طباطبایی از نخستین افرادی بودند که باوجود گرایش‌های نو در هنر، از وسایل کهنه و دورریختنی استفاده می‌کردند، «اما مهم‌ترین و معروف‌ترین کارهای ژازه [طباطبایی] نقاشی‌ها و به‌خصوص احجام فلزی اوست که با استفاده از مواد به‌ظاهر بی‌مصرف و آهن‌قراضه‌های دورریختنی ساخته است» (موسیوند، ۱۳۹۱: ٤۲). پرویز تناولی از هنرمندان پیشرو در عرصه هنر بازیافت به بهانه نمایشگاه هنر بازیافت که در ۱۳۹۳ش. در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد، به اهمیت استفاده از دورریزها در خلق و آفرینش آثار هنری اشاره نمود: «بازیافت یک دغدغه روز جهانی‌ست؛ همیشه مقدار زیادی مازاد کارخانه‌های، بازیافت‌های خانگی، بازیافت‌های سطح اجتماعی وجود دارد که این‌ها به دور ریخته می‌شود و خبر خوبی است که مجسمه‌سازان بتوانند از این بازیافت‌ها استفاده کنند. اگر هنرمندان جوان بتوانند از این مازاد دور ریختی به‌عنوان متریالی برای ساخت مجسمه استفاده کنند خبر بسیار خوبی است. امر بازیافت و یا پسماندهای صنعتی یک امر ایرانی نیست یک امر جهانی‌ست و همه‌جای دنیا با این موضوع درگیرند و درصدد پیدا کردن راه‌حل‌هایی هستند که این‌ها را به یک صورتی در گردونه بازیافت بچرخانند و آن را قابل‌استفاده بکنند. لذا بدیهی‌ست اگر هنرمند هم بتواند

---

۱. هنر بازیافت یا هنر خرت و پرت (تقی‌زادگان، ۱٤۰۰: ۱۲۹)

۲. معادل دیگری برای هنر بازیافت

3. Robert Rauschenberg (1925-2008)

بخشی از این را به دوش بکشد و به عهده بگیرد، الگویی عملی و زیباشناختی به جامعه‌اش ارائه می‌کند» (URL3).

بافته‌های داری

بافته‌های داری و زیراندازها یکی از گروه‌های صنایع‌دستی را تشکیل می‌دهند. بافته‌های داری، بافته‌هایی هستند که بر روی دار بافته می‌شوند. بعضی از این بافته‌ها مانند قالی و گبه علاوه بر تاروپود دارای گره (پرز) و برخی دیگر مانند گلیم، جاجیم و زیلو تنها تاروپود دارند. مواد اولیه بافته‌ها پشم و پنبه بوده و در این میان تولیداتی بافته‌شده از مواد اولیه خاص نیز موجود است.

گلیم سرجامه

گلیم سرجامه در شهرستان بشرویه استان خراسان جنوبی بافته می‌شود و در ردیف بافته‌های داری و زیراندازها است. «معمولاً با استفاده از شُرّوت (رشته‌های تابیده‌شده لباس) به‌عنوان پود در رنگ‌های مختلف و با طرح‌های ذهنی بافته می‌شود» (URL4). از ویژگی‌های این گلیم می‌توان به ترکیب رنگی خاص، نقوش بومی، بافت اثر در زمانی کوتاه و صرف هزینه اندک و مواد اولیه بازیافتی (الیاف لباس‌های مندرس) نام برد. طرح‌ها در این نوع گلیم ساده‌اند و غالباً به‌صورت ردیف‌ها و نوارهای افقی بافته می‌شوند. استفاده از این گلیم سبب می‌شود به‌مرور زمان رنگ‌ها پخته‌تر و جلوه بیشتری پیدا کند (تصویر ۱).



تصویر ۱: گلیم سرجامه بشرویه (URL4)



تصویر ۲: گلیم سرجامه بر طرحی راه‌راه (URL5)

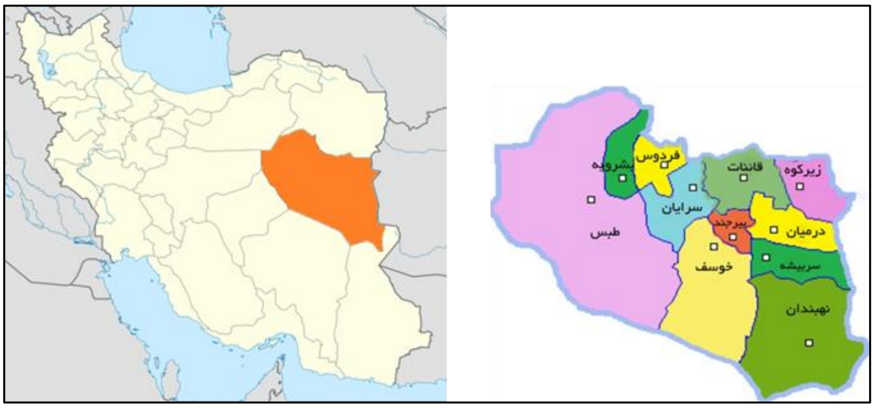
«برای توسعه روستایی، سه رویکرد در نظر می‌گیرند که عبارت از رویکردهای توسعه مکانی، توسعه اقتصادی و توسعه خلاقیت و استعدادهای فردی» (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳). به نظر می‌رسد برای توسعه اقتصاد خلاق در سطح روستاها، تکیه‌بر تولید صنایع‌دستی و بافته‌های سنتی مبتنی بر فرهنگ و بومی روستاها می‌تواند منجر به تولید سبز و توسعه پایدار شود. گلیم سرجامه با توجه به فرهنگ مردم منطقه و دوری از اسراف و پرهیز از مصرف‌گرایی در روزگار گذشته رواج داشته و با تغییر سبك زندگی مردم خراسان مانند سایر مناطق کشور منسوخ گردیده است، اما خوشبختانه طی سالیان اخیر از سوی وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور و متولیان استان خراسان جنوبی اقدامات و راهکارهایی در جهت احیا رشته صورت پذیرفته است. «فرش سرجامه آمیخته با فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی فرش سرجامه نوعی گلیم است با هنر حدود ۳۰۰ ساله در بشرویه است که در ۳ سال اخیر احیا شده است» (URL6).

مناطق جغرافیایی بافت گلیم سرجامه

بافت گلیم با مواد بازیافتی در برخی از نقاط ایران در گذشته رواج داشته و در بعضی نقاط هم‌اکنون نیز مرسوم است. استان خراسان جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در سالیان اخیر به همت اهالی فرهنگ، گلیم سرجامه احیاء شده است، اما مهم‌ترین منطقه بافت گلیم سرجامه که در مقاله حاضر موردمطالعه قرار دارد، شهرستان بشرویه است.

بشرویه (استان خراسان جنوبی)

بشرویه در موقعیت ۳۳،۸ درجه شمالی و ۵۷،۴ درجه شرقی، در شرق ایران و در شمال غرب استان خراسان جنوبی، در ۸۸ کیلومتری جنوب غربی فردوس و ۱۲۰ کیلومتری شمال شرقی طبس واقع است (تصویر ۳). با توجه به قرارگیری در مجاورت کویر، آب و هوای این شهر گرم و کویری است. بشرویه به دلیل حفظ بافت سنتی و وجود بادگیرها در استان خراسان معروف است. بیشتر مردم بشرویه به حرفه کشاورزی اشتغال دارند. عمده محصولات به‌عمل‌آمده پنبه، جو، گندم و پسته و خربزه و هندوانه هستند.



تصویر ۳: موقعیت شهرستان بشرویه در استان خراسان جنوبی (URL7)

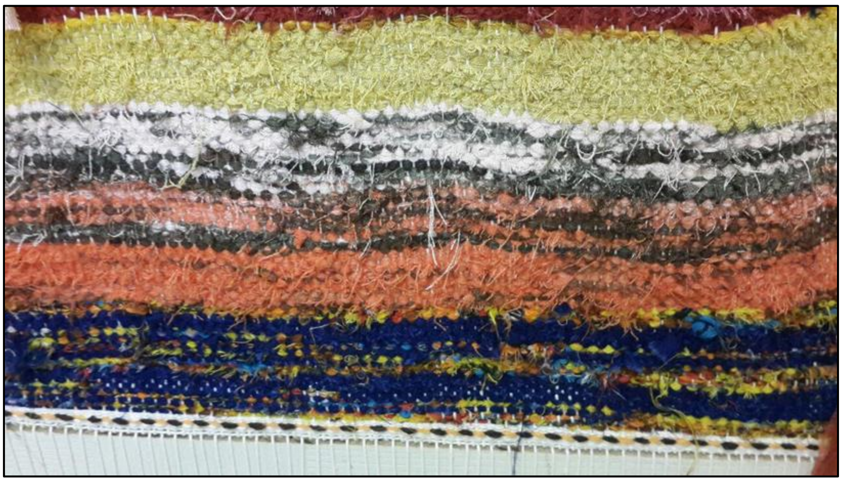
گلیم ژنده

منطقه دشتابی بوئین‌زهرا دارای گلیم‌های منحصربه‌فردی است که به نام بزرگ‌ترین روستای آن، ارداق گلی یا گل ارداق نامیده می‌شود. این نقش بسیار شبیه نقوش گلیم‌های بیجار، خمسه و شاهسون است. تقریباً در تمامی خانه‌های منطقه دشتابی و به‌ویژه ارداق، گلیم وجود دارد. گلیم در این منطقه، «کیلیم» خوانده می‌شود. نوعی از گلیم که از نظر نوع مواد اولیه با سایر گلیم‌ها متفاوت است. «علت نام‌گذاری آن نیز استفاده از پارچه‌های نخی کهنه در بافت آن است. بافندگان از خرده پارچه‌های باقی‌مانده از دوخت و دوز و نیز شکافتن لباس‌های کهنه مواد اولیه این گلیم‌ها را تهیه می‌کنند. پارچه‌ها به‌صورت نوارهای یک سانتی‌متری است و نقش پود رنگین در گلیم را ایفا می‌کند» (طارمی، ۱۳۸۸: ۹۷). گلیم ژنده (تصویر ٤) منسوجی متشکل از نوارهای پارچه‌ای و از انواع بافته‌های داری به‌حساب می‌آید.



تصویر ٤: گلیم ژنده (URL8)

نوعی تعریف دیگر گلیم ژنده (تصویر ٥) یا ژنده گلیم را این‌چنین معرفی می‌کند: «ژنده‌بافی یکی از دست‌بافته‌های داری استان قزوین است. در منطقه بویین‌زهرا به زبان محلی به کوینه یا ژنده گلیم و در الموت به جُل معروف است (در بعضی از روستاهای الموت ازجمله روستای خوبان به هی‌لان[1] معروف است با این تفاوت که بر روی دستگاه جاجیم بافته می‌شود و همچنین در بافت آن از موی بز نیز استفاده می‌گردد). گلیم ژنده با نخ پنبه، چله‌کشی می‌شود و پود آن را پارچه لباس‌های کهنه شکافته شده به عرض ۰/۵-۱ سانتی‌متر تشکیل می‌دهد» (افشاری و همکاران، ۱۳۹۱: ٤٤). آنچه از تعاریف برمی‌آید این است که ماده اولیه گلیم ژنده (تصویر ٦)، تکه‌هایی از لباس‌های کهنه و یا خرده پارچه‌های دورریختنی است. گلیمی که به گلیم کهنه نیز شهره است. «ژنده گلیم الموت را جل‌بافی می‌نامند. جل نوعی گلیم یا گلیمچه است که با استفاده از پارچه‌های دورریز و گاهی با استفاده از تکه‌های لباس‌های کهنه بافته می‌شود و درواقع، شیوه بهره‌بری از مواد اضافی و دورریز و طرح بازیافت روستایی و سنتی در روستاها به شمار می‌رود. هر زن خانه‌داری پارچه‌های رنگی غیرقابل استفاده را به صورت نوارهای باریکی درآورده و مانند گلیم ساده آن را می‌بافد. تارها در این بافته از نخ پنبه‌ای و پودها از نوارهای پارچه‌ای است. نوعی جل که در روستای خوبان، هی‌لان گفته می‌شود» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۰).



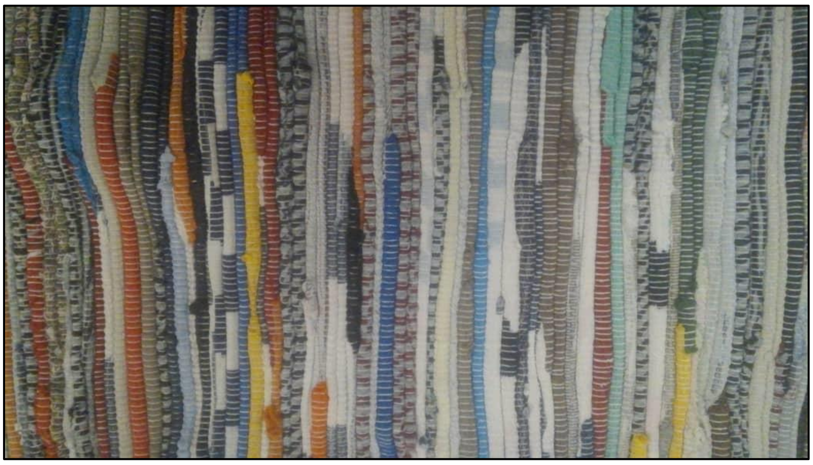
تصویر ٥: گلیم ژنده (URL9)

1. Heylon



تصویر ٦: گلیم ژنده بویین‌زهرا، مأخذ: (افشاری و همکاران،۱۳۹۱: ۵۵)

بیشترین کاربری بافته مورد اشاره، به‌عنوان خورجین و گاهی زیراندازی خنک در فصل تابستان در مناطق الموت و بوئین‌زهرا استان قزوین مورداستفاده قرار می‌گیرد. این گلیم از استحکام بالایی برخوردار است و گاهی به‌عنوان پادری نیز روی ایوان خانه‌های روستایی استفاده می‌شود. البته در گذشته، ژنده‌بافی در بین محصولات دستی از جایگاه مناسبی برخوردار بود. با توجه به در دسترس بودن مواد اولیه (پارچه‌های کهنه) و هزینه پایینِ بافت آن، اکثر اهالی به این رشته می‌پرداختند، اما در حال حاضر تغییر ذائقه و گرایش به زیراندازهای صنعتی مثل موکت‌ها از میزان تولید گلیم ژنده کاسته است[1]. «گلیم ژنده از نظر بافندگان استان قزوین ارزش چندانی ندارد، زیرا مواد اولیه آن متشکل از مواد کهنه و خرده پارچه‌هاست. گرانی و در دسترس نبودن مواد اولیه علاوه بر نداشتن صرفه اقتصادی برای بافندگان و روی آوردن مردم به تجمل‌گرایی بافت این‌گونه از گلیم‌ها به دست فراموشی سپرده شده است» (URL10). مشابه گلیم ژنده ایرانی نوع وارداتی محصول (تصاویر ۷-۹) نیز وجود دارد. سؤال این است که چه عواملی سبب رغبت خرید نمونه‌های وارداتی و عدم شناخت موارد مشابه ایرانی هستند؟



تصویر ۷: گلیم ژنده، محصول وارداتی (مأخذ: نگارنده)

۱. البته طی نتایجی که از طرح مستندنگاری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان قزوین طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۹ش. به دست آمد، تولید گلیم ژنده کم شده بود اما از میان نرفته است.


تصویر ۸: ریشه‌بافی در گلیم ژنده، وجود نوارهای پارچه‌ای مستعمل در متن بافته، محصول وارداتی (مأخذ: نگارنده)


تصویر ۹: گلیم ژنده، وجود نوارهای پارچه‌ای مستعمل در متن بافته، محصول وارداتی (مأخذ: نگارنده)

مناطق جغرافیایی بافت گلیم ژنده

اگرچه برای چنین بافته‌هایی نمی‌توان انحصار منطقه‌ای قائل شد، اما با توجه به فراوانی گلیم ژنده در استان قزوین (تصویر ۳) در این مقاله به مناطق بافت این بافته در استان نامبرده توجه شده است. مناطقی مانند بویین‌زهرا و روستاهای منطقه الموت از مهم‌ترین تولیدکنندگان گلیم ژنده در استان قزوین هستند.

بوئین‌زهرا (استان قزوین)

شهرستان بویین‌زهرا در جنوب دشت قزوین و در فاصله ۵۰ کیلومتری از شهر قزوین قرار دارد. مرکز آن شهر بویین‌زهرا و دارای بخش‌هایی به نام‌های مرکزی، دشتابی، رامند و شال و چندین دهستان و آبادی است (تصویر ۱۰). این شهرستان از شمال به شهرستان قزوین و البرز، از جنوب به استان‌های مرکزی و همدان، از شرق به استان تهران و از غرب به شهرستان تاکستان محدود می‌شود. ازجمله هنرها و صنایع‌دستی شهرستان بویین‌زهرا به‌طور عمده می‌توان به قالی‌بافی و گلیم‌بافی اشاره کرد. بافت قالی و گلیم از دیرباز در این منطقه رواج داشته و تا حدودی رونق خود را تا به امروز حفظ کرده است.



تصویر ۱۰: استان قزوین (URL11)

تولید گلیم سرجامه و گلیم ژنده

در تاریخ هنر مردمی ایران مشهود است که هنرمندان گاهی آثاری در رسته هنر بازیافت خلق نموده‌اند، اما هرگز در قالب یک سبک یا مکتب هنری بدان پرداخته نشده است. امروزه به علت گرایش‌های نوین هنری و اهمیت یافتن مسائل زیست‌محیطی از زباله‌ها، دورریختنی‌ها و مواد بازیافتی در خلق آثار هنری خود استفاده می‌کنند. در گذشته و حتی امروز فرهنگ درست مصرف و اجتناب از اسراف در بین روستاییان معمول بوده و چنین الگویی را در تمامی امور مدنظر داشته‌اند. با همین تفکر، علاوه بر تولید انواع دست بافته‌های پشمی، نوعی زیرانداز و پادری از جنس پارچه نیز رایج بوده و هست. استفاده از لباس‌های مندرس و کهنه و نوار نوار نمودن آن و سپس به‌کارگیری این پارچه‌ها به‌عنوان مواد اولیه گلیم ژنده، مصداقی از تجلی هنر بازیافت در میان زنان روستایی بوده است. به‌طورکلی، صرفه‌جویی و کمک به بهبود وضع اقتصادی خانواده از یک‌سو و ترویج فرهنگ مصرف صحیح و اجتناب از دورریزی بیهوده مهم‌ترین علت تولید کهنه گلیم بوده است. جلال آل‌احمد، نویسنده نامدار ایران، گزارش سفر خود به بلوک تات بویین‌زهرا را در سفرنامه‌ای با همین عنوان منتشر نموده و در خصوص ژنده گلیم آورده است: «یک نوع گلیم دیگر هم می‌بافند که به آن می‌گویند کوینه گلیم koyna gilim (با ضمه قزوینی) یا ژنده گلیم که نه پشمی است و نه پنبه‌ای، بلکه پارچه‌ای. شلیطه‌ها و پیراهن‌ها را که از کار افتاده می‌شوند و پارچه‌شان را رشته‌رشته به پهنای یک انگشت می‌کنند و گره می‌زنند و می‌تابند یا نمی‌تابند و از ریسمانی که به این طریق به دست می‌آید گلیم را می‌بافند» (آل‌احمد، ۵۶:۱۳۷۰). هرچند این گلیم ارزش مادی زیادی ندارد، اما بافت آن به ذوق و تفکر صرفه‌جوی هنرمندان این منطقه اشاره دارد که از کوچک‌ترین و کمترین مواد استفاده کرده و به اقتصاد خانواده خود کمک کرده‌اند. «این گلیم [ژنده] عمر زیادی دارد و بیشتر در مکان‌های پرتردد که مستلزم استحکام زیاد است، به کار می‌رود. مواد اولیه آن از خرده پارچه‌های باقی‌مانده از دوخت و دوز و لباس‌ها و پارچه‌های کهنه و بی‌استفاده است که هزینه مواد اولیه را به حداقل می‌رساند. همچنین به علت استفاده از مواد اولیه ضخیم، سرعت بافت آن زیاد است» (طارمی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

مطالعه تطبیقی ویژگی‌های گلیم سرجامه و گلیم ژنده به‌مثابه هنر بازیافت

تنوع‌طلبی و مصرف‌گرایی با صنعتی شدن جوامع و تغییر سبك زندگی رو به فزونی دارد که این معضل به نفع آیندگان و محیط‌زیست نخواهد بود. در مصادیق هنر بازیافت خلقی نو از مواد و اشیاء کهنه و دورریز دیده می‌شود. در تعریف زباله‌های خشک آمده است که زباله‌هایی چون انواع آهن‌آلات، شیشه، قوطی‌های فلزی، کاغذ و مقوا و وسایل پلاستیکی و غیره که می‌توان با فرآوری، آنها را دوباره به چرخه مصرف باز گرداند. اگرچه به پارچه و لباس‌های کهنه اشاره نشده است، اما نمونه بافته‌هایی چون گلیم سرجامه و ژنده، نشان از آن دارد که مواد نامبرده نیز قابلیت بازگشت مجدد به سبد مصرفی خانوار را دارند. گلیم سرجامه و ژنده همچون سایر مصادیق هنر بازیافت مهم بوده و توجه به احیاء و رونق

این رشته‌ها موجب حفظ سرمایه مردمی در چرخه اقتصاد تولید داخلی و توسعه پایدار خواهد بود. تولیدکنندگان گلیم‌های سرجامه و ژنده به‌مثابه انواعی از هنر بازیافت، استفاده مجدد از مواد دورریختنی (منسوج مندرس و کهنه و لباس‌های مستعمل) را در آفرینش اثری نو ترویج می‌دهند. هنرمندان زیادی در سراسر جهان از میان مواد دورریز، پارچه را انتخاب نموده و با به‌کارگیری تکه‌ها و نوارهای پارچه‌ای به خلقی نو دست می‌زنند.

مشاهده نمونه‌های ژنده‌بافی وارداتی نشان از آن دارد که هنرمندان غیر ایرانی در به‌کارگیری نوارهای پارچه‌ای و رنگ‌بندی آن‌ها دقت نظر داشته و بافته نهایی از منظر رنگ‌بندی قابل‌توجه است، در حالی که ژنده ایرانی تنها کاربری شخصی داشته و برای تولید انبوه و فروش تولید نمی‌شده، بنابراین کمتر از منظر زیبایی‌شناسی به آن توجه شده است. اگر بافنده به‌منظور عرضه محصول خود در بازار به امر تولید بپردازد از مباحث زیبایی‌شناسانه نیز غافل نمی‌شود. هر دو بافته گلیم سرجامه و گلیم ژنده از مواد دورریز (نوارهایی به عرض یك تا دو سانتی‌متر) به‌عنوان پود بهره می‌برند. مطالعه تطبیقی هر دو بافته نشان از آن دارد که با توجه به شاخصه‌های استاندارد هنر بازیافت، هر دو مورد حاوی ویژگی‌های بازیافتی هستند. در راستای تولید گلیم سرجامه بشرویه خراسان جنوبی بیشتر از نوارهای پارچه‌ای بهره می‌گیرند، درحالی‌که برای تولید ژنده بوئین‌زهرا نخ‌های حاصل از شکافتن لباس‌های مستعمل و مندرس رایج است. تنظیم و چینش نوارهای رنگی در گلیم سرجامه قاعده‌مند بوده و بافته منظم دیده می‌شود. در گلیم ژنده جانمایی نوارها یا نخ‌های رنگی با دقت کمتری صورت می‌پذیرد. جدول ۱ به شباهت‌ها و تفاوت‌های گلیم‌های سرجامه و ژنده پرداخته است.

جدول ۱: مطالعه تطبیقی گلیم سرجامه (لته‌ای) و گلیم ژنده در جایگاه مصادیق هنر بازیافتنی (مأخذ: نگارنده)

بافته	محل بافت	شباهت‌ها	تفاوت‌ها	نمونه تصویری بافته
گلیم سرجامه	بشرویه خراسان جنوبی	– استفاده از نوارهای پارچه‌های مستعمل – تولید گلیم راه‌راه – استفاده از مواد دورریز (نوارهای پارچه‌ای به‌عنوان پود به عرض ۱ تا ۲ سانتی‌متر) – سعی در ترویج صحیح مصرف	- ترکیب رنگ‌های گرم و متنوع - وضعیت رشته در بشرویه: فعال	
گلیم ژنده	بوئین‌زهرا قزوین	– استفاده از نوارهای پارچه‌های مستعمل – تولید گلیم راه‌راه – استفاده از مواد دورریز (نوارهای پارچه‌ای به‌عنوان پود به عرض ۱ تا ۲ سانتی‌متر) – سعی در ترویج صحیح مصرف	– استفاده از نخ کاموایی لباس-های مستعمل – رنگ‌های خنثی و تیره‌تر – وضعیت رشته در بوئین‌زهرا: رو به فراموشی و برخی نقاط نیمه فعال	

نتیجه‌گیری

رکود تدریجی گلیم سرجامه خراسان جنوبی و گلیم ژنده استان قزوین حاکی از عدم شناخت ظرفیت‌های نهان هنری ایران بوده و از سویی دیگر تمایل به نمونه‌های مشابه غیر ایرانی روایتگر عرضه و تبلیغات مناسب این محصولات است. با افزایش فعالیت‌های هنرمندان عرصه هنر بازیافت، هشدار بحران‌ها و مسائل گوناگون زیست‌محیطی به گوش مخاطبان رسید. درحالی‌که در ایران پایبندی به شعار «پیشگیری بهتر از درمان است» سرلوحه هنرمندان بوده و از

سالیان دور نمودهای گوناگونی از هنر بازیافت دیده شده است. گلیم ژنده، رویکرد صرفه‌جویانه و قناعت‌گر زنانی را روایتگر است که وقتشان را صرف تهیه و تولید دست‌بافته‌ای نموده‌اند که از مواد دورریختنی به‌دست آمده است. تمام اهدافی که هنرمندان فعال هنر بازیافت مدنظر دارند، زنان روستایی در آثار هنری خود عملیاتی نموده و دست به تولید زده‌اند. این موضوع کمک می‌کند دغدغه‌مندان آگاهانه چنین تولیداتی را شناسایی کنند و علاوه بر جلوگیری از فراموشی گلیم ژنده، بازار فروش مناسب آن را فراهم آورند. این‌گونه علاوه بر دوستی با طبیعت، بروز زمینه‌های کارآفرینی و اشتغال روستاییان، مانع تولید بی‌رویه زباله نیز می‌شود. با توجه به تعاریف و شاخصه‌هایی که برای هنر بازیافت ارائه‌شد و با عنایت به اهداف هنرمندان این هنر، گلیم ژنده با وجود ناشناخته بودن، حائز شرایط بوده و می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق هنر بازیافت از نوع ایرانی-سنتی معرفی شود. سرمایه‌گذاری و تبلیغات مناسب در راستای تولید انبوه و یافتن بازار فروش می‌تواند توجه دوستداران محیط‌زیست و صنایع‌دستی را به خود جلب نماید. نمونه‌های ماشینی گلیم ژنده از کشورهایی چون هند و چین وارد می‌شود و در داخل ایران از اقبال خوبی برخوردار است. این در شرایطی است که محصولات داخلی با قیمتی ارزان‌تر، بافت سنتی و کیفیتی بهتر تولید می‌شود، اما به سبب عدم شناخت، مورد استقبال قرار ندارد و از رونق تولید پیشین کاسته است. هنر بازیافت ایرانی ظرفیت گسترده‌ای جهت انجام پژوهش‌های کاربردی دارد. مطالعه تطبیقی دست‌بافته‌های بازیافتی از منظر مواد اولیه و کاربرد می‌تواند موجب شناخت بیشتر بافته‌های نامبرده شود.

نگارنده پس از انجام پژوهش پیشنهادهایی برای توسعه و ترویج بافته‌های سرجامه و ژنده به‌قرار ذیل دارد: آموزش هدفمند گلیم سرجامه و گلیم ژنده به علاقمندان، گنجاندن محتوای آموزشی مرتبط با دو بافته سرجامه و ژنده در واحد درسی «آشنایی با هنرهای سنتی» و «بافته‌های سنتی ایران» به دانشجویان رشته فرش و صنایع‌دستی، نظارت و راهبری تولیدات روستایی توسط کارشناسان صنایع‌دستی در سازمان میراث فرهنگی استان‌ها، تحقیق و پژوهش در مورد علل علاقمندی مردم به نمونه‌های وارداتی ژنده‌بافی و عدم تمایل به نمونه‌های مشابه داخلی، برگزاری کارگاه آموزشی و نمایشگاه در گالری‌ها به‌منظور بالابردن دانش عمومی در خصوص استفاده بهینه از پارچه‌ها و لباس‌های کهنه و ترویج فرهنگ مصرف شایسته و استفاده از نمونه‌های گلیم سرجامه و ژنده در چیدمان‌های نمایشگاه‌های سراسری صنایع‌دستی و هنرهای سنتی.

فهرست منابع

۱. آل‌احمد، جلال. (۱۳۷۰). ***تات‌نشین‌های بلوک زهرا***. تهران: امیرکبیر.

۲. ابریشمی، حمید؛ و همکاران. (۱۳۹۸). «امکان‌سنجی توسعه پایدار روستایی از طریق توسعه صنایع خلاق: نمونه موردی صنایع‌دستی روستاهای منتخب استان اصفهان». ***روستا و توسعه***. (شماره ۸۸)، ۶۹-۵۱.

۳. اسدی‌کیارس، داریوش. (۱۳۸۷). «تندیس ژازه تباتبایی». ***تندیس***. (شماره ۱۴۳)، ۴-۳.

۴. افشاری و دیگران. (۱۳۹۱). ***صنایع‌دستی استان قزوین***. تهران: سیمای دانش.

۵. ترکان، اعظم. (۱۳۹۹). «توسعه صنایع‌دستی با تأکید بر صنایع خلاق و پایدار». ***دومین کنفرانس علمی پژوهشی روانشناسی، مشاوره، علوم تربیتی و علوم اجتماعی و علوم انسانی***. پادوا-ایتالیا، دبیرخانه دائمی کنفرانس، ۷-۱۷.

۶. تقی‌زادگان، معصومه. (۱۴۰۰). «هنر گفتگویی و کنشگری در حوزه عمومی محیط‌زیست در آثار هنرمندان کنشگرا». ***جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر***. (شماره ۱)، ۱۴۵-۱۲۱.

۷. سلیمانی، شهربانو. (۱۳۸۷). ***هنر و صنایع‌دستی سرزمین الموت***. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان قزوین.

۸. طارمی، معصومه. (۱۳۸۸). «مروری بر بافت گلیم ژنده در ارداق». ***گنجینه هنرهای از یاد رفته***. ج۳. تهران: فرهنگستان هنر.

۹. کاکاوند، سمانه. (۱۳۹۸). «ژنده‌بافی به‌مثابه هنر بازیافت». ***دومین همایش بین‌المللی هنرهای تجسمی و محیط‌زیست با رویکرد هنر بازیافت***. تهران: دانشگاه الزهرا(س)، ۱۰۳-۹۱.

۱۰. موسیوند، محسن. (۱۳۹۱). «نمادها در آثار ژازه طباطبایی (با تأکید بر سه نماد: شیر و خورشید، اسب و مرغ-آدم)». ***هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی***. (شماره ۳)، ۴۸-۴۱.
11. https://civilica.com/doc/1015055/
12. https://cooperhewitt.org
13. URL1: http://newarts.blogfa.com/post/135
14. URL2: https://vasetkala.com/blog
15. URL3: http://www.honaronline.ir
16. URL4: http://birjand.irib.ir
17. URL5:https://parsbano.ir/simple-kilim weaving-method
18. URL6:https://www.iribnews.ir/fa/news/2593344/
19. URL7:http://boshrooyeh.ir/index.php/city-introduction
20. URL8:http://www.irancarpet.com/fa/blog/detail/14055
21. URL9:http://www.iran-carpet.com/fa/blog
22. URL10: http://velaiatnews.com
23. URL11: https://www.ncc.gov.ir/fa/gallery/